

# تدقیق در پیامدهای اجتماعی تحصیلات عالی در زنان: زنان شهر تهران

دکتر منوچهر محسنی تبریزی<sup>۱</sup>

\*مرضیه براری<sup>۲</sup> [www.marziyebarray@gmail.com](http://www.marziyebarray@gmail.com) ۰۹۱۲۵۹۰۱۲۳۶-۰۲۱۸۲۲۳۳۴۵۲ تهران-شهرک

غرب-خ هرمزان-نبش پیروزان جنوبی-وزارت علوم-طبقه دهم-انجمن های علمی ایران-

[marziyebarray@gmail.com](mailto:marziyebarray@gmail.com)



## چکیده

مقاله حاضر برگرفته از نتایج یک تحقیق تجربی درباره پیامدهای اجتماعی تحصیلات عالی در زنان شهر تهران است. در چند دهه گذشته زنان در ایران تحرک فرهنگی و آموزشی بارزی را تجربه کرده‌اند؛ به طوری که فقط در بخش آموزش عالی شاهد افزایش چشمگیر حضور زنان بوده‌ایم. ارتقای سطح تحصیلات زنان آثار و نتایج متعددی بر روابط، شرایط و موقعیت‌های اجتماعی-اقتصادی آنان در جامعه داشته و در مقابل منشأ تغییرات و تحولاتی در روابط آنان با محیط اجتماعی شده است.

در تحقیق حاضر تأکید عمده بر تأثیرات تحصیلات عالی در زنان بر سن ازدواج، میزان باروری، کنترل خشونت خانگی، احساس خود اثربخشی، مشارکت اجتماعی و فرصت‌های اشتغال در خارج از خانه بوده است.

۱ استادیار دانشگاه تهران

۲ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

روش تحقیق در مطالعه حاضر از نوع توصیفی و مبتنی بر پیمایش است. از این منظر تحقیق از نوع همبستگی علی و پس‌رویدادی است.

جامعه تحت مطالعه را زنان ۱۸ تا ۶۰ سال شهر تهران تشکیل می‌دهند که بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵ حدود ۲۷۳۰۲۷۵ نفر است. نمونه آماری براساس فرمول کوکران با احتساب دقت احتمالی ۵ درصد حدود ۳۸۴ نفر محاسبه شده است که با استعانت از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای (PPS) انتخاب شده است.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های تحقیق نشان می‌دهد که: با برخورداری زنان از تحصیلات عالی، سن ازدواج در آنان افزایش پیدا کرده و در مقابل میزان باروری آنان کاهش پیدا می‌کند، هم‌چنین میزان کنترل آنان بر خشونت خانگی افزایش می‌یابد، میزان مشارکت آنان در **فراشدهای** اجتماعی ارتقا پیدا می‌کند و بالاخره با افزایش سطح تحصیلات عالی، فرصت‌های بیش‌تری برای اشتغال در محیط خارج از خانه برای آنان فراهم می‌شود. با این توصیف نتایج تحقیق تفاوت معناداری را میان دو گروه از زنان دارای تحصیلات عالی و فاقد تحصیلات عالی از حیث شیوه‌های فرزندپروری و میزان مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور خانه و خانواده نشان نداد.

### کلیدواژه‌ها:

تحصیلات عالی، احساس خوداثربخشی، مشارکت اجتماعی، سن ازدواج، فرصت اشتغال، کنترل خشونت خانگی و شیوه‌های فرزندپروری.

### بیان مسأله

جامعه ایران در دو دهه اخیر تحولات اجتماعی، فرهنگی و آموزشی خطیری را تجربه کرده است. یکی از مهم‌ترین این تحولات، گسترش آموزش عالی در سطوح و مقاطع گوناگون در میان زنان بوده است. از آن جا که زنان نیمی از جمعیت هر جامعه را تشکیل می‌دهند، آموزش و استفاده از توانمندی آنان در تمامی سطوح علمی و اجرایی یک ضرورت اجتماعی است و دانشگاه به منزله عالی‌ترین مکان علمی، محل اصلی تربیت و به‌کارگیری زنان کارآموده و توانا است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد روند دسترسی زنان به آموزش عالی پیش و پس از انقلاب ایران چهار مرحله محرومیت، نابرابری، تبعیض‌های جنسی و مرحله جبران را طی کرده است. دو مرحله اول مربوط به قبل از انقلاب است که مرحله اول، دوره تجددخواهی و نوگرایی اواخر قاجار است. در این مرحله زنان همواره دچار محرومیت بودند؛ به گونه‌ای که در بخش آموزش حضور زنان در نخستین مدارس عالی شامل مدارس عالی علوم سیاسی، طب، حقوق، تجارت و کشاورزی در طی سال‌های ۱۲۷۷ تا ۱۳۰۹ شمسی صفر بوده است.

مرحله دوم، دوره شبه مدرنیزاسیون دولتی در عصر پهلوی بود که در این عصر نیز هر چند حقوق زنان به لحاظ نظری مورد توجه و دستور کار قرار گرفت ولی محرومیت انباشته شده تاریخی

و موانع ساختاری فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی موجب شد که زنان هم‌چنان دسترسی نابرابر به آموزش عالی داشته باشند. اما پس از انقلاب در مرحله تبعیض‌های مجدد جنسیتی نه تنها روند دسترسی زنان به آموزش عالی اصلاح نشد و توسعه نیافت بلکه این امر منجر به تبعیض‌های جنسیتی چند برابر و نهادینه شد؛ به‌گونه‌ای که ورود زنان به برخی رشته‌های دانشگاهی ممنوع شد و سهم زنان در پذیرش دانشگاهی کاهش پیدا کرد.

مرحله چهارم، مرحله جبران است. از دهه دوم انقلاب تاکنون به منظور جبران محرومیت، نابرابری و تبعیض‌های وارد شده در سه مرحله قبل، زنان دست به دگرگونی آرام زده و در مسیر آموزش عالی قرار گرفتند و تقاضای اجتماعی زنان برای ادامه تحصیل افزایش پیدا کرد. با نگاهی به آمار پذیرفته‌شدگان در سال‌های مختلف استنباط می‌شود که تعداد پذیرفته‌شدگان زن در سال‌های اخیر افزایش چشمگیری پیدا کرده است. در سال تحصیلی ۷۰-۷۱ دختران ۲۸ درصد دانشجویان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی را تشکیل می‌دادند که در سال تحصیلی ۸۶-۸۷ این رقم به بیش از ۶۰ درصد رسید از سال ۱۳۸۰ به بعد تعداد زنان فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها به‌مراتب بیش‌تر از فارغ‌التحصیلان مرد رشد داشته است (گزارش ملی آموزش عالی ایران، ۱۳۸۷) و به تبع آن در حال حاضر میزان زنان تحصیل کرده دانشگاهی، به طور قابل ملاحظه‌ای نسبت به دهه‌های قبل افزایش یافته است. در ارتباط با ارتقای سطح تحصیلات عالی زنان دو دیدگاه کلی وجود دارد: دیدگاهی که معتقد است تحصیلات عالی زنان به رشد فرهنگ عمومی کمک می‌کند. فمینیست‌ها از جمله جسی برنارد<sup>۱</sup>، سیمون دوبوار<sup>۲</sup> و بتی فریدان<sup>۳</sup> معتقدند که افزایش و ارتقای سطح تحصیلات زنان در هر جامعه به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه محسوب می‌شود و به زنان فرصت می‌دهد تا بخشی از مهارت‌های زندگی را فرا گیرند و تجربه حضور در عرصه‌های عملی نهادهای اجتماعی را به‌دست آورند.

در نهایت این گروه از صاحب‌نظران افزایش و ارتقای تحصیلات عالی زنان را به فال نیک گرفته و در سایه آن توسعه بیش‌تر جامعه را پیش‌بینی می‌کنند. از نظر آنان پیامدهای مثبت ارتقای سطح تحصیلات عالی زنان عبارتند از کاهش نرخ باروری، تأخیر در سن ازدواج، تغییر نگرش زنان نسبت به الگوی تربیت فرزندان، آگاهی از حقوق شهروندی، مشارکت اجتماعی بیش‌تر، تغییر مناسبات قدرت در خانواده اعم از شیوه‌های تصمیم‌گیری، رهبری و... احساس خود اثربخشی و کارآمدی، توانایی در جلوگیری از خشونت خانوادگی، داشتن شانس بهتر برای ازدواج، بالا رفتن میانگین سن ازدواج، بالا رفتن سطح سواد و تحصیلات در جامعه، بهبود شاخص‌های توسعه انسانی زنان، کاهش تدریجی تخریب محیط زیست، افزایش سطح شاخص‌های بهداشتی در جامعه، افزایش سطح رفاه خانواده‌ها (چون بیش‌تر زنان تحصیل کرده کار می‌کنند یا کارآفرین هستند). دیدگاه دیگر دیدگاهی

---

<sup>۱</sup> Jessie Bernard

<sup>۲</sup> Simone De Beauvoir

<sup>۳</sup> Friedan Betty

است که افزایش حضور زنان در آموزش عالی و تحصیلات عالی زنان را بحران‌زا توصیف می‌کند و در این خصوص رویکردی آسیب‌شناسانه دارد.

در جامعه ایران که هنوز نیز جامعه‌ای سنتی و مردسالار است، افزایش تعداد زنان تحصیل کرده مورد توجه و دغدغه بسیاری افراد و گروه‌های محافظه‌کار و برخی از مسؤولان کشور قرار گرفته است. این افراد و گروه‌ها، ارتقای سطح تحصیلات زنان در جامعه و افزایش زنان تحصیل کرده را خطرساز دانسته و اعتقاد دارند که افزایش سطح تحصیلات زنان زیربنای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه را مختل می‌کند. از نظر این افراد تحصیلات زنان در ایران دارای پیامدهای منفی دیگری مانند افزایش زیاده‌خواهی دختران و به تعویق افتادن سن ازدواج آن‌ها، وجود دوگانگی در مراودات خانوادگی (چون هنوز دیدگاه‌های عمده در ایران سنتی است و زنان تحصیل کرده سعی در شکستن این سنت‌ها دارند)، کاهش باروری، بالا رفتن میزان بیکاری مردان، افزایش میزان اختلافات خانوادگی به دنبال تقاضا و علاقه زنان به کار خارج از خانه در صورت موافقت نکردن پدر یا همسر با اشتغال آن‌ها، افزایش طلاق، کاهش حضور زنان در خانه و تبعات منفی آن برای فرزندان می‌باشد. آن‌ها معتقدند که این حرکت باید متوقف شود و با سهمیه‌بندی جنسیتی و سهمیه‌ای کردن بعضی از رشته‌ها، سعی در جذب دانشجوی دختر کم‌تری نسبت به پسران می‌کنند و شانس قبولی دختران را نسبت به پسران در شرایط برابر کاهش می‌دهند.

## اهداف تحقیق

هدف کلی این تحقیق «بررسی، شناخت آثار و پیامدهای اجتماعی تحصیلات عالی در میان زنان است».

## اهداف جزئی و خاص تحقیق نیز عبارتند از:

- ۱- بررسی و شناخت تأثیر تحصیلات عالی زنان بر نرخ باروری و سن ازدواج؛
- ۲- بررسی و شناخت تأثیر تحصیلات عالی زنان در خشونت خانگی؛
- ۳- بررسی و شناخت تأثیر تحصیلات عالی زنان بر احساس خود اثربخشی و کارآمدی زنان؛
- ۴- بررسی و شناخت تأثیر تحصیلات عالی زنان بر شیوه‌های فرزندپروری؛
- ۵- بررسی و شناخت تأثیر تحصیلات عالی زنان بر نحوه مشارکت در فرایندهای تصمیم‌گیری خانه و خانواده؛
- ۶- بررسی و شناخت تأثیر تحصیلات عالی زنان بر نحوه و میزان مشارکت اجتماعی زنان.

## مبانی نظری تحقیق

## بودون<sup>۱</sup> و نظام کنش متقابل

<sup>۱</sup> Boudon

از ویژگی‌های نظام‌های وابستگی متقابل یکی این است که کارگزاران نظام، مصدر کنش‌هایی هستند که موجب تکوین پدیده‌های جمعی می‌شوند که با این عنوان خواسته این کارگزاران نبوده‌اند. نظام‌های وابستگی متقابل از لحاظ آثار انتخاب‌شده غنی‌ترند. در واقع، گذر از یک نظام سازمان نیافته به یک نظام سازمان یافته اغلب در گرو اراده کارگزاران اجتماعی است که خواسته‌اند آثار انتخاب‌شده نامطلوب را حذف کنند. از سوی دیگر، این هم روشن است که فرایند سازمانی ناگزیر متضمن ادخال هنجارها و اجبارهایی است که حدود اختیار عمل افراد را کم می‌کند و تأثیر آن‌ها به صورت قراردادن پاره‌ای مقولات کنش در نقش‌ها ظاهر می‌شود.

کارگزاران در یک نظام وابستگی متقابل قرار دارند که ساخت آن چنان است که آنان را به ایفای کنش‌هایی که نتایج ناخواسته به بار می‌آورد، بر می‌انگیزد. ساخت‌های وابستگی متقابل آثار گوناگونی از جمله (تشدیدکننده، ناخواسته، تضاد، نوآوری اجتماعی، تثبیت‌کننده) دارند. برخی از این آثار نتایج نامطلوبی از لحاظ اجتماعی دارند، برخی دیگر آثاری دارند که از سوی کارگزاران خواسته نشده‌اند، اما از لحاظ جمعی و فردی مثبت هستند، برخی دیگر نیز نه نشان از بار مثبت دارند و نه بار منفی. ساخت وابستگی متقابل آثار منتخبه کثیری دارند که همه آن‌ها از لحاظ اجتماعی با اهمیت هستند (بودون، ۱۳۸۳ : ۹۸-۱۲۲)؛

در نظام وابستگی متقابل، کارگزاران اجتماعی در ارتباط با یکدیگر هستند ولی این روابط یا روابط نقش نیست و اگر در مواردی هم باشد، بسیار جزئی و حاشیه‌ای است. این نظام‌های وابستگی متقابل اهمیت اساسی در تحلیل جامعه‌شناختی دارند. آن‌ها عموماً آثار منتخبه (یعنی آثاری که در اهداف کارگزاران منظور نشده) هستند که به صورت‌های گوناگون ظاهر می‌شوند. برخی از این ساخت‌ها اهداف کارگزاران را تشدید می‌کنند. برخی دیگر آن‌ها را واژگون می‌کنند. برخی دیگر با هدف‌ها منطبقند ولی آثار تدریجی نامطلوبی دارند. پاره‌ای دیگر بدون آن که از تضاد منافع مایه گرفته باشند، به حالت‌های جمعی پرتنش منتهی می‌شوند. برخی هم غیر مستقیم، نتایج اجتماعی مثبت به بار می‌آورند که اگر کارگزاران اجتماعی می‌خواستند به طور مستقیم آن‌ها را به دست آورند، موفق نمی‌شدند و بالاخره بعضی از آن‌ها نیز باعث دگرگونی‌های اجتماعی کلی می‌شوند که به صورت نوآوری‌های جمعی حقیقی درمی‌آیند. جریان امر به گونه‌ای است که گویی نتایج کنش‌های آنان از اختیارشان خارج است: تقسیم کار، هسته‌ای شدن خانواده، بی‌هنجاری محصول اراده هیچ کس نیستند. این پدیدارها چنان به افراد تحمیل می‌شوند که در نظرشان چنان محصول قدرت‌های بی‌نام و نشان جلوه می‌کند. با این وجود، قدرت‌های غیر مادی چیزی جز فرافکنی ساده ساخت‌های وابستگی متقابل نیستند. این ساخت‌ها تقلیل‌پذیر به افرادی که آن‌ها را تشکیل می‌دهند، نیستند. نه فقط از آن لحاظ که کارگزاران درگیر در یک وضعیت وابستگی متقابل، عموماً به طور مستقیم نهادهای عرضه این کنش‌های متقابل را انتخاب نکرده‌اند بلکه هم‌چنین به دلیل این که مجموعه افرادی که یک کل را تشکیل می‌دهند، با حاصل جمع افزایش مساوی نیست، اما از سوی دیگر، ساخت‌ها نیز بدون افراد چیزی نیستند (بودون، ۱۳۸۳: ۱۳۴-۱۳۵).

## دانیل لرنر<sup>۱</sup>

او در نیمه دوم قرن بیستم با رویکرد جامعه‌شناختی - روان‌شناختی به مطالعه نوسازی پرداخت. به نظر لرنر مهم‌ترین عناصر و متغیرهایی که در ظهور تحرک ذهنی و آمادگی روانی انسان‌ها برای نو شدن مؤثرند، عبارتند از بسط و گسترش رسانه‌های گروهی، سوادآموزی و ارتقای سطح تحصیلات، شهرنشینی و مشارکت. لرنر به ابعاد روانی نوسازی توجه دارد و بر عوامل فردی و درونی در هر جامعه تأکید می‌کند. او معتقد است که عناصری باید از بیرون وارد جامعه سنتی شوند تا زمینه حرکت را به سوی تجدد فراهم کنند مانند سوادآموزی و ارتقای سطح تحصیلات و... که این عوامل موجب تحرک ذهنی و آمادگی روانی افراد می‌شود و آن‌ها را به سمت نوگرایی و تجدد می‌کشاند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۷: ۲۰۷)؛

## میشل فوکو<sup>۲</sup>

فوکو در بحث شجره‌شناسی قدرت به این موضوع اشاره دارد که انسان‌ها چگونه از راه تولید دانش بر خود و دیگران تسلط پیدا می‌کنند؟ او دانش را ایجادکننده قدرت می‌داند، به این ترتیب که نخست از انسان‌ها موجودات شناسایی می‌سازد. سپس بر همین شناساها تسلط پیدا می‌کند. فوکو در صدد آن است که روابط ساختاری میان دانش و قدرت را باز شناسد (ریتزر، ۱۳۷۷: ۵۵۸).

## چارچوب نظری

مطالعه نظریه‌های مختلف و گستردگی ابعاد موضوع مورد مطالعه موجب شد که محقق دیدگاه ترکیبی داشته باشد و به صورت تلفیقی از هر یک از نظریه‌های مطرح مورد خاصی را استخراج کند. به این ترتیب به فرایند انتخاب متغیرهای تحقیق از نظریه‌های مذکور پرداخته می‌شود.

متغیرهای توانایی زنان در کنترل خشونت خانگی و افزایش مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور خانه و خانواده از نظریه فوکو در مبحث شجره‌شناسی قدرت گرفته شده است؛ زیرا نظریه مذکور به این موضوع اشاره دارد که انسان‌ها چگونه از راه تولید دانش بر خود و دیگران تسلط پیدا می‌کنند. فوکو دانش را ایجادکننده قدرت می‌داند.

متغیرهای بالا رفتن سن ازدواج، کاهش میزان باروری و افزایش فرصت‌های اشتغال در خارج از خانه و افزایش میزان مشارکت اجتماعی و افزایش احساس خود اثربخشی و کارآمدی در زنان، از نظریه نظام کنش متقابل بودون گرفته شده است؛ زیرا براساس این نظریه، از ویژگی‌های نظام‌های وابستگی متقابل این است که کارگزاران نظام، مصدر کنش‌هایی هستند که موجب تکوین پدیده‌های جمعی می‌شوند که با این عنوان خواسته این کارگزاران نبوده‌اند. کارگزاران در یک نظام

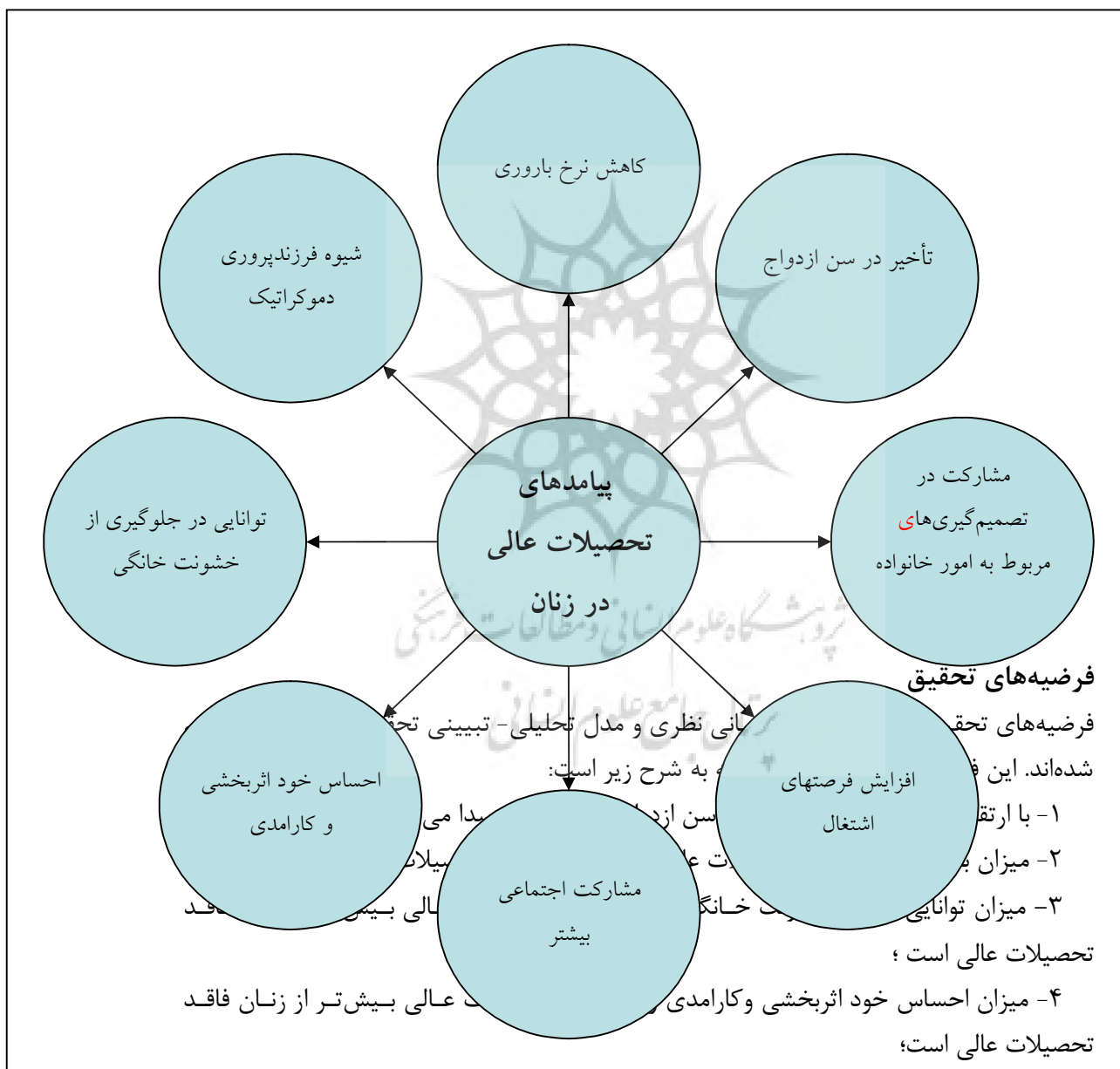
<sup>۱</sup> Daniel Lerner

<sup>۲</sup> Michel Foucault

وابستگی متقابل قرار دارند که ساخت آن چنان است که آنان را به ایفای کنش‌هایی که نتایج ناخواسته با بار می‌آورد، برمی‌انگیزد.

متغیر شیوه فرزندپروری دموکراتیک از نظریه نوسازی لرنر گرفته شده است؛ زیرا براساس این نظریه عناصری باید از بیرون وارد جامعه سنتی شوند تا زمینه حرکت را به سوی تجدد فراهم کنند مانند سوادآموزی و ارتقای سطح تحصیلات و... که این عوامل موجب تحرک ذهنی و آمادگی روانی افراد می‌شود و آن‌ها را به سمت نوگرایی و تجدد سوق می‌دهد.

### مدل تحلیلی و تبیینی تحقیق



- ۵- میزان مشارکت اجتماعی زنان دارای تحصیلات عالی بیشتر از زنان فاقد تحصیلات عالی است ؛
- ۶- میزان فرصت‌های اشتغال در خارج از خانه برای زنان دارای تحصیلات عالی بیشتر از زنان فاقد تحصیلات عالی است ؛
- ۷- زنان دارای تحصیلات عالی از شیوه فرزندپروری دموکراتیک بیشتر از زنان فاقد تحصیلات عالی استفاده می‌کنند ؛
- ۸- میزان مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور خانه و خانواده در زنان دارای تحصیلات عالی بیشتر از زنان فاقد تحصیلات عالی است.

### روش تحقیق

به‌واسطه خصلت جامعه‌شناختی موضوع مورد مطالعه ، کثرت و گستردگی جامعه مورد مطالعه و لزوم استفاده از پرسشنامه‌های نظرسنجی برای کسب اطلاعاتی درباره واقعیت‌های ذهنی، باورها، نگرش‌ها ، ارزش‌ها و نیز آزمون فرضیه‌های روابط علی از روش پیمایش استفاده گردید و پرسشنامه محقق ساخته براساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای تنظیم شد.

### متغیرهای تحقیق و نحوه سنجش آن‌ها

متغیر تأخیر در سن ازدواج، کاهش نرخ باروری، شیوه فرزندپروری دموکراتیک، توانایی در جلوگیری از خشونت خانگی، احساس خود اثربخشی و کارآمدی، مشارکت اجتماعی بیشتر، افزایش فرصت‌های اشتغال و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور خانواده به عنوان متغیر وابسته و تحصیلات عالی زنان نیز متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. به این ترتیب در ادامه به فرایند شاخص‌سازی هریک از متغیرهای تحقیق اشاره‌ای مختصر می‌شود.

جدول ۱ نحوه شاخص‌سازی متغیرهای تحقیق

موضوع تحقیق	شاخص‌های تحقیق	گویه‌های تحقیق
بررسی پیامدهای اجتماعی تحصیلات عالی زنان	سن ازدواج	سن مناسب برای ازدواج از نظر متأهلان ، علت تأخیر در سن ازدواج ، سن ازدواج ، میزان تأخیر در سن ازدواج نسبت به هم‌سالان، سن مناسب برای ازدواج از نظر مجردان
	میزان باروری	تعداد فرزندان، سن اولین بارداری، فاصله بین بارداری اول و دوم، فاصله بین بارداری دوم و سوم ، تعداد مطلوب فرزندان
	خشونت خانگی	میزان کشیده شدن کارها و امور مختلف به مشاخره و درگیری‌های لفظی، میزان کشاندن فات به سمت یک بحث منطقی ، میزان کشیده شدن مناقشات لفظی به درگیری‌های فیزیکی و کاری، میزان کشیده شدن ارتباطات به لجاجت با یکدیگر ، میزان موفقیت در حل مسائل خانواده بدون ایجاد تنش و خشونت
	احساس خود اثربخشی	میزان ارزش ، اعتبار و منزلت برای زنان دارای تحصیلات عالی، میزان احترام فرد به شخص تحصیل کرده ، میزان احترام جامعه به فرد تحصیل کرده ، میزان تحصیلات زنان و



تأثیر آن در تصمیم‌های زندگی ، میزان توان زنان تحصیل کرده در حل کردن مسائل و مشکلات زندگی ، میزان تأثیر تحصیلات بر ارتقای آگاهی و دانش عمومی زنان		
میزان همکاری داوطلبانه در انجام پروژه‌هایی در محل زندگی ، میزان تمایل افراد برای عضویت در هیأت مدیره ساختمان مسکونی، میزان مشارکت افراد در انتخابات شورای محل یا شهر، میزان تمایل به نامزدی انتخابی شورای شهر، میزان عضویت در یکی از گروه‌ها و انجمن‌ها	مشارکت اجتماعی	
وضعیت فعالیت، میزان رسیدن فرد بدون داشتن مدرک دانشگاهی به شغل مناسب ، میزان رسیدن فرد با داشتن مدرک دانشگاهی به شغل مناسب	فرصت های اشتغال	
میزان اعمال نظر فرد در تصمیم‌گیرهای خانواده ، میزان اعمال نظر فرد در رفتن به مسافرت ، میزان اعمال نظر فرد در خرید خانه و اتومبیل ، میزان اعمال نظر فرد در خرید وسایل خانه ، میزان اعمال نظر فرد در رابطه با رفت‌وآمدها با خویشاوندان ، میزان اعمال نظر فرد در رابطه با تحصیلات فرزند، میزان مشورت با همسر در تربیت فرزند، میزان تأثیر نظر فرد در خصوص تهیه وسایل فرزند	میزان مشارکت در امور خانه	
دوست شدن فرزند با دیگران بدون اطلاع و نظارت مادر، چون مادر هستم فرزند باید اطاعت کند، نظارت مادر به صورت غیر مستقیم در دوست‌یابی فرزند ، میزان توجه به نظر فرزند قبل از انجام کار ، میزان استفاده از تنبیه بدنی برای تربیت فرزند، میزان انتقاد و سرزنش فرزند در پیشرفت کار؛ فرزندم حق ندارد بدون اجازه من با کسی دوست شود ،میزان توضیح در خصوص پیامد کار به فرزند، میزان تشویق فرزند در خصوص صحبت کردن در رابطه با مشکلات، میزان کوتاه آمدن در برابر آشوب و جنجال و قشقرق فرزند، گفتن تنبیه کردن به فرزند اما در عمل انجام ندادن ، میزان لوس کردن فرزند	انواع شیوه فرزندپروری	

### جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

#### جامعه آماری

جامعه آماری تحقیق حاضر را زنان ۱۸ تا ۶۰ سال ساکن شهر تهران تشکیل می‌دهد. براساس آمار سرشماری سال ۱۳۸۵ حجم جمعیت آماری ۲۷۳۰۲۷۵ نفر برآورد شده است.

#### حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

حجم نمونه براساس فرمول کوکران و با در نظر گرفتن حداکثر ناهمگنی یا شکاف پنجاه پنجاه (۰/۵)  $p \cdot q = 0/5 \times 0/5$  به شرح ذیل است:

$$n = \frac{N \times t^2 \times p \times q}{N \times d^2 + t^2 \times p \times q}$$

$$3/8416 \times 2730275 \times 0/5 \times 0/5$$

$$n = \frac{\quad}{2730275 \times 0/5 + 3/8416 \times 0/5 \times 0/5} = 384$$

$$2730275 \times 0/5 + 3/8416 \times 0/5 \times 0/5$$

$$N: \text{جامعه آماری} = 2730275$$

$$P: \text{احتمال وجود صفت} = 0/5$$

$$q: \text{احتمال عدم وجود صفت} = 0/5$$

$$t: \text{درجه اطمینان} = 1/96$$

$$t^2 = 3/8416 \text{ hpjllhg wpj 'tjlv}$$

$$d^2: \text{دقت برآورد} = (0/05)^2$$

به این ترتیب حجم نمونه براساس فرمول کوکران تعداد ۳۸۴ نفر محاسبه شد که از این تعداد ۱۷۸ نفر از زنان فاقد تحصیلات عالی و ۲۰۶ نفر دارای تحصیلات عالی بودند. در این تحقیق از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. روش کار به این ترتیب بود که نخست شهر تهران به ۵ ناحیه شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم شد سپس براساس تقسیم‌بندی شهرداری از هر کدام از این نواحی یک منطقه شهرداری به‌طور تصادفی انتخاب شد. مناطق ۴، ۶، ۲۰ و ۲۲ به‌عنوان مناطقی برای جمع‌آوری اطلاعات انتخاب شدند. در مرحله بعد تعدادی بلوک در هر منطقه انتخاب شد و حجم نمونه از بلوک‌ها به‌دست آمد.

### روایی و پایایی ابزار سنجش

برای تعیین اعتبار یا روایی ابزار سنجش از اعتبار صوری بهره گرفته شد. پایایی ابزار سنجش براساس آزمون کرونباخ محاسبه شد. در جدول زیر ضریب پایایی مقیاس‌های سنجش متغیرهای تحقیق براساس آلفای کرونباخ عنوان شده است.

مقدار آلفای کرونباخ	تعداد گویه‌ها	فرضیه‌ها
۸۷/۹	۵	سن ازدواج
۷۲	۵	باروری
۷۰	۶	خشونت خانگی
۸۰/۴	۶	احساس خوداثربخشی
۹۵	۵	مشارکت اجتماعی
۹۵/۳	۱۲	شیوه‌های فرزندپروری
۷۵	۳	فرصت‌های اشتغال
۹۰	۸	مشارکت در امر خانواده

### یافته‌های تحقیق

#### الف- یافته‌های توصیفی

نتایج جداول یک بعدی به صورت خلاصه و به شکل فهرست بیان می‌شود.

- بیشترین تعداد پاسخ‌گویان زن (اعم از فاقد و یا دارای تحصیلات عالی) در رده سنی بین ۲۵ - ۳۱ سال قرار دارند؛
- بیش‌تر پاسخ‌گویان فاقد تحصیلات عالی (۹۰/۴ درصد) متأهل هستند و بیش‌تر پاسخ‌گویان دارای تحصیلات عالی (۵۷/۳ درصد) مجرد هستند؛
- بیش‌تر پاسخ‌گویان فاقد تحصیلات عالی (۸۷/۳ درصد) و بیش‌تر پاسخ‌گویان دارای تحصیلات عالی (۶۳/۱ درصد) غیر فعال هستند. اما نسبت افراد فعال در گروه دارای تحصیلات عالی بیش‌تر از گروه فاقد تحصیلات عالی است؛
- وضعیت میزان مشارکت اجتماعی در بین دو گروه افراد دارای تحصیلات عالی و فاقد تحصیلات عالی نشان می‌دهد که در مجموع افراد دارای تحصیلات عالی مشارکت بیش‌تری در فعالیت‌های اجتماعی دارند؛ به طوری که ۷۱ درصد از زنان فاقد تحصیلات عالی دارای مشارکت کمی در فعالیت‌های اجتماعی بوده و در مقابل ۳۵ درصد از زنان دارای تحصیلات عالی مشارکت کم داشته‌اند و اما ۱۰ درصد از زنان با تحصیلات عالی و تنها ۲ درصد از زنان فاقد تحصیلات عالی دارای مشارکت اجتماعی بالا می‌باشند. بیش‌تر افراد فاقد تحصیلات عالی (۱۸/۵ درصد) در جلسات قرآن شرکت داشتند و بیش‌تر افراد دارای تحصیلات عالی در گروه‌های ورزشی و تفریحی شرکت داشتند؛
- بیش‌تر زنان فاقد تحصیلات عالی با فراوانی ۶۶ درصد معتقدند تحصیلات دانشگاهی به میزان زیاد باعث ارزش، اعتبار و منزلت زنان می‌شود که این میزان ۸۳/۵ درصد در میان زنان دارای تحصیلات عالی می‌باشد. ۶۸ درصد زنان فاقد تحصیلات عالی و ۷۹/۶ درصد زنان دارای تحصیلات عالی میزان احترام زیادی برای شخص تحصیل کرده قائلند. ۵۴ درصد زنان فاقد تحصیلات عالی و ۵۱/۴ درصد زنان دارای تحصیلات عالی معتقدند که جامعه احترام زیادی برای شخص تحصیل کرده قائل است. ۷۲/۵ درصد زنان فاقد تحصیلات عالی و ۸۱ درصد زنان دارای تحصیلات عالی معتقدند که تحصیلات زنان و تأثیر آن در تصمیم‌های زندگی زیاد می‌باشد. ۶۳ درصد زنان فاقد تحصیلات عالی و ۷۸/۲ درصد زنان دارای تحصیلات عالی معتقدند که میزان توان زنان تحصیل کرده در حل کردن مسائل و مشکلات زندگی زیاد می‌باشد. ۷۳/۵ درصد زنان فاقد تحصیلات عالی و ۸۳/۵ درصد زنان دارای تحصیلات عالی معتقدند که میزان تأثیر تحصیلات بر ارتقای آگاهی و دانش عمومی زیاد است. در مجموع ۶۲ درصد از افراد فاقد تحصیلات عالی و ۷۱ درصد از افراد با تحصیلات عالی معتقدند که زنان تحصیل کرده از خود اثربخشی بالا برخوردارند؛
- میزان کشیده شدن کارها و امور مختلف در خانواده به مشاجرات و درگیری‌های لفظی در میان زنان فاقد تحصیلات عالی ۴۹ درصد کم، ۳۱ درصد متوسط و ۲۰ درصد زیاد بود و این میزان در میان زنان دارای تحصیلات عالی ۶۸ درصد کم و ۱۲ درصد زیاد بود. میزان کشاندن مشاجره لفظی به بحث منطقی در میان زنان دارای تحصیلات عالی با فراوانی ۷۰/۸ درصد (در مقابل ۵۴ درصد) بیش‌تر از زنان فاقد تحصیلات عالی بود. میزان کشیده شدن اختلافات به فحاشی، توهین و تهدید در میان زنان فاقد تحصیلات عالی ۷۱ درصد کم و در میان زنان دارای تحصیلات عالی ۸۶/۴ درصد کم بود. میزان درگیری‌های فیزیکی و کتک‌کاری در میان زنان فاقد تحصیلات عالی ۸۶/۶ و در میان زنان دارای تحصیلات عالی ۹۰ درصد کم بود. میزان لجاجت با یکدیگر در ارتباطات میان زنان

دارای تحصیلات عالی کم‌تر از زنان فاقد تحصیلات عالی بود. میزان حل مسائل خانواده بدون تنش و خشونت در میان زنان دارای تحصیلات عالی با فراوانی ۵۷/۸ درصد بیش‌تر از زنان فاقد تحصیلات عالی بود؛

- میزان اعمال نظر فرد در رابطه با تصمیم‌گیری‌های موضوع خانه و خانواده در میان زنان فاقد تحصیلات عالی ۵۸/۴ زیاد و در میان زنان دارای تحصیلات عالی ۶۷ درصد زیاد بود. میزان اعمال نظر فرد در رفتن به مسافرت در میان زنان فاقد تحصیلات عالی ۵۷/۳ درصد زیاد و میان زنان دارای تحصیلات عالی ۷۰ درصد زیاد بود. میزان اعمال نظر فرد در خرید خانه و اتومبیل در میان زنان فاقد تحصیلات عالی ۵۰/۶ درصد زیاد ۲۰/۸ درصد کم و در میان زنان دارای تحصیلات عالی ۷۰ درصد زیاد و ۸/۸ درصد کم بود. میزان اعمال نظر فرد در خرید وسایل خانه تقریباً در میان دو گروه نزدیک بود. میزان اعمال نظر فرد در رابطه با رفت و آمد با خویشاوندان و میزان اعمال نظر در رابطه با تحصیلات فرزند و میزان تأثیر نظر فرد در خصوص تهیه وسایل فرزند در میان زنان دارای تحصیلات عالی بیش‌تر از زنان فاقد تحصیلات عالی بود. در مجموع افراد دارای تحصیلات عالی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خانه و خانواده مشارکت بیش‌تری نسبت به افراد فاقد تحصیلات عالی دارند؛

- بیش‌تر زنان فاقد تحصیلات عالی (۶۴/۷ درصد) بین ۲۱ تا ۲۵ سال را مناسب‌ترین سن برای ازدواج عنوان کرده‌اند. هم‌چنین بیش‌تر زنان دارای تحصیلات عالی (۵۴/۲ درصد) نیز بین ۲۱ تا ۲۵ سال را مناسب‌ترین سن برای ازدواج ذکر کردند. هر دو گروه سنین ۱۵ تا ۱۷ سال را برای ازدواج مناسب ندانسته‌اند. دختران مجرد فاقد تحصیلات عالی و دارای تحصیلات عالی در پاسخ به این سؤال که آیا در مقایسه با هم‌سالان سن شما به تأخیر افتاده است؟ گزینه تا حدودی را انتخاب کردند، اما درصد بیش‌تری از زنان فاقد تحصیلات عالی نسبت به زنان دارای تحصیلات عالی معتقدند در مقایسه با هم‌سالان خود، سن ازدواجشان خیلی کم به تأخیر افتاده است. بیش‌تر پاسخ‌گویان مجرد از هر دو گروه پیدا نکردن فرد مناسب را از علت‌های اصلی تأخیر در سن ازدواج بیان کردند، هم‌چنین ۲۸ درصد افراد با تحصیلات عالی، ادامه تحصیل را علت تأخیر در ازدواج اعلام کردند. بیش‌تر افراد در هر دو گروه (۵۳ درصد) در سنین ۱۸ تا ۲۳ سال ازدواج کرده‌اند، اما ۴۲/۹ درصد افراد بدون تحصیلات عالی در سنین بین ۱۴ تا ۱۷ سال، ازدواج کرده‌اند که این رقم برای افراد دارای تحصیلات عالی در سنین بین ۱۴ تا ۱۷ سال، ۲/۳ درصد است. بیش‌تر افراد فاقد تحصیلات عالی (۶۲/۷ درصد) سنین بین ۱۸ تا ۲۳ سال را سن مناسب برای ازدواج دختران اعلام کردند و البته بیش‌تر افراد دارای تحصیلات عالی (۶۴/۸ درصد) سنین بین ۲۴ تا ۲۸ سال را سن مناسب برای ازدواج دختران اعلام نمودند؛

- بیش‌تر افراد فاقد تحصیلات عالی در حدود ۳۳/۱ درصد افراد تعداد فرزندانشان را ۲ فرزند اعلام کردند. هم‌چنین بیش‌تر افراد دارای تحصیلات عالی در حدود ۵۰ درصد افراد تعداد فرزندانشان را ۱ فرزند اعلام کردند. ۲۵ درصد افراد، فاقد تحصیلات عالی ۴ و بیش‌تر از ۴ فرزند دارند. بیش‌تر زنان فاقد تحصیلات عالی (۴۱/۶) درصد بین سن ۱۸ تا ۲۲ سال را اولین سن بارداری

خود اعلام کردند و هم‌چنین بیش‌تر زنان دارای تحصیلات عالی (۶۱/۵) درصد بین سن ۲۳ تا ۲۷ سال را اولین سن بارداری خود اعلام کردند. ۲۸ درصد زنان فاقد تحصیلات عالی بین سن ۱۵-۱۷ سال را اولین سن بارداری خود اعلام کردند که این رقم در گروه دارای تحصیلات عالی ۱/۵ درصد بود. بیش‌تر مادران فاقد تحصیلات عالی (۴۵/۶ درصد) ۱ تا ۳ سال بین بارداری اول و دوم آن‌ها فاصله وجود داشته است این در حالی است که بیش‌تر مادران دارای تحصیلات عالی (۴۶/۹ درصد) ۴ تا ۶ سال بین بارداری اول و دوم آن‌ها فاصله وجود داشته است. بیش‌تر افراد در هر دو گروه از زنان ، تعداد ۲ فرزند را مطلوب دانسته‌اند؛

- میزان استفاده از تنبیه بدنی در تربیت فرزند درمیان زنان فاقد و دارای تحصیلات عالی کم بود. شاخص فرزندم بدون اطلاع و نظارت من با هر که بخواهد دوست می‌شود در میان هر دو گروه به یک میزان کم بود. نظارت غیرمستقیم در دوست‌یابی فرزند برای زنان فاقد تحصیلات عالی ۵۷/۲ درصد زیاد و برای زنان دارای تحصیلات عالی ۷۰/۳ درصد زیاد بود. توجه به نظر فرزند قبل از انجام کار فرزند برای زنان فاقد تحصیلات عالی ۳۶/۶ درصد زیاد و برای زنان دارای تحصیلات عالی ۱/۶ درصد زیاد بود. توضیح درباره پیامد کار به فرزند و تشویق فرزند برای این‌که درباره مشکلاتش صحبت کند، در هر دو گروه زیاد بود. لوس کردن فرزند و گفتن چون من مادر هستم فرزند باید اطاعت کند در میان زنان فاقد تحصیلات عالی بیش‌تر بود. با توجه به مقایسه وضعیت میزان استفاده از روش دمکراتیک در تربیت فرزند در بین دو گروه افراد دارای تحصیلات عالی و فاقد تحصیلات عالی نشان می‌دهد که در مجموع افراد دارای تحصیلات دانشگاهی بیش‌تر از روش دمکراتیک استفاده می‌کنند. هم‌چنین با توجه به مقایسه وضعیت میزان استفاده از روش استبدادی در تربیت فرزند در بین دو نشان می‌دهد که در مجموع افراد فاقد تحصیلات دانشگاهی بیش‌تر از روش استبدادی استفاده می‌کنند.

### ب-آزمون فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول: با ارتقای سطح تحصیلات در زنان ، سن ازدواج آنان افزایش پیدا می‌کند.

جدول ۲ بررسی تأثیر تحصیلات عالی زنان در سن ازدواج زنان (درصد)

سن ازدواج	سطح تحصیلات		جمع
	فاقد تحصیلات عالی	دارای تحصیلات عالی	
۱۷-۱۴ سال	۴۶.۶	۶۴.۸	۶۴.۸
۲۳-۱۸ سال	۵.۶	۲۹.۵	۲۹.۵
۲۸-۲۴ سال	۴.۳	۲.۳	۱۴.۱

۳۳-۲۹ سال	۰.۶	۱.۱	۳.۶
درصد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
تعداد	۱۶۱	۸۸	۲۴۹

$\chi^2 = ۶۰.۵۱۴$	$df = ۴$	$Sig = ۰/۰۰۰$	$Cramers V = ۰/۷۱۳$
-------------------	----------	---------------	---------------------

نتایج حاصل از آزمون  $\chi^2$  که در سطح ۰/۰۵ معنادار است ( $sig = ۰/۰۰۰$ ) نشان می‌دهد که بین دو متغیر تحصیلات عالی زنان و سن ازدواج آنان رابطه وجود دارد و با توجه به مقدار به دست آمده از آزمون وی کرامر (Cramer's V) رابطه بین این دو متغیر در حد معنادار است.

**فرضیه دوم:** میزان باروری زنان دارای تحصیلات عالی به نسبت کمتر از زنان فاقد تحصیلات عالی است.

**جدول ۳** بررسی تأثیر تحصیلات عالی زنان در میزان باروری آنان (درصد)

جمع	سطح تحصیلات		تعداد فرزندان
	دارای تحصیلات عالی	فاقد تحصیلات عالی	
۳۷.۹	۴۹.۲	۳۳.۱	۱
۳۷.۴	۴۱.۵	۳۵.۷	۲
۱۳.۲	۹.۲	۱۴.۹	۳
۷.۸	۰	۱۱	۴
۳.۷	۰	۵.۲	۵ و بیش تر از ۵
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد
۲۱۹	۶۵	۱۵۴	تعداد

$\chi^2 = ۱۵.۲۲۱$	$df = ۴$	$Sig = ۰/۰۰۴$	$Gamma = -۰.۴۰۴$
-------------------	----------	---------------	------------------

نتایج حاصل از آزمون  $\chi^2$  که در سطح ۰/۰۵ معنادار است، ( $sig = ۰/۰۰۴$ ) نشان می‌دهد رابطه‌ای معنادار بین دو متغیر تحصیلات عالی زنان و میزان باروری آنان وجود دارد. البته مقدار گاما در حد بالا (-۰.۴۰۴) است که ضریب منفی آن نشان می‌دهد هر چه میزان تحصیلات زنان افزایش پیدا می‌کند، تعداد فرزندان کمتر می‌شود. هیچ کدام از پاسخ‌گویان دارای تحصیلات عالی بیش تر از ۲ فرزند ندارند.

فرضیه سوم: میزان توانایی کنترل خشونت خانگی در زنان دارای تحصیلات عالی به نسبت بیشتر از زنان فاقد تحصیلات عالی است.

**جدول ۴** بررسی تأثیر تحصیلات عالی زنان در میزان توانایی آنان در کنترل خشونت خانگی (درصد)

جمع	سطح تحصیلات		خشونت خانگی
	دارای تحصیلات عالی	فاقد تحصیلات عالی	
۷۲.۱	۸۰.۱	۶۲.۹	کم
۲۷.۱	۱۹.۴	۳۶	متوسط
۰.۸	۰.۵	۱.۱	زیاد
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد
۳۸۴	۲۰۶	۱۷۸	تعداد

$X^2 = 14.046$	df = ۲	Sig = ۰/۰۰۱	Gamma = -۰.۴۰۴
----------------	--------	-------------	----------------

نتایج حاصل از آزمون کی دو ( $X^2 = 14.046$ ) که در سطح ۰/۰۵ معناداری است ( $sig = 0.001$ ) نشان می‌دهد که رابطه معنادار بین دو متغیر میزان تحصیلات عالی زنان و میزان توانایی آنان در کنترل خشونت خانگی وجود دارد. البته مقدار گاما در حد بالا (-۰.۴۰۴) می‌باشد که ضریب منفی آن نشان می‌دهد هر چه میزان تحصیلات عالی و دانشگاهی زنان بالا رود، میزان توان آنان در کنترل خشونت خانگی افزایش پیدا می‌کند. براساس یافته‌های آماری داخل جدول ملاحظه می‌شود که با بالارفتن تحصیلات، خشونت خانگی کم‌تر می‌شود و بین خانم‌ها با تحصیلات دانشگاهی توانایی بالاتری برای کنترل خشونت خانگی وجود دارد در حالی که این میان در بین زنان فاقد تحصیلات دانشگاهی کم‌تر است.

فرضیه چهارم: میزان احساس خود اثربخشی و کارآمدی در زنان دارای تحصیلات عالی به نسبت بیشتر از زنان فاقد تحصیلات عالی است.

**جدول ۵** بررسی تأثیر تحصیلات عالی زنان در احساس خود اثربخشی و کارآمدی زنان (درصد)

جمع	سطح تحصیلات		خود اثربخشی
	دارای تحصیلات عالی	فاقد تحصیلات عالی	
۰.۵	۰.۵	۰.۶	کم
۳۲.۳	۲۸.۲	۳۷.۱	متوسط

۶۷.۲	۷۱.۴	۶۲.۴	زیاد
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد
۳۸۴	۲۰۶	۱۷۸	تعداد

$X^2 = ۳.۵۱۶$	$df = ۲$	$Sig = ۰/۱۷۲$
---------------	----------	---------------

نتایج حاصل از آزمون کی دو ( $X^2 = ۳.۵۱۶$ ) که در سطح  $۰/۰۵$  معناداری نیست ( $sig = ۰/۱۷۲$ ) نشان می‌دهد که رابطه معنادار بین دو متغیر میزان تحصیلات عالی زنان و میزان احساس خوداثربخشی و کارآمدی زنان وجود ندارد. ۷۲ درصد از خانم‌هایی که تحصیلات عالی داشته‌اند و در مقابل ۶۲ درصد از افرادی که فاقد تحصیلات دانشگاهی بودند معتقدند که زنان دارای تحصیلات عالی از خوداثربخشی بالاتر برخوردارند.

**فرضیه پنجم:** میزان مشارکت اجتماعی در زنان دارای تحصیلات عالی به نسبت بیشتر از زنان فاقد تحصیلات عالی است.

#### جدول ۶ بررسی تأثیر تحصیلات عالی زنان در مشارکت اجتماعی آنان (درصد)

جمع	سطح تحصیلات		مشارکت اجتماعی
	دارای تحصیلات عالی	فاقد تحصیلات عالی	
۵۱.۸	۳۵.۴	۷۰.۸	کم
۴۱.۹	۵۴.۴	۲۷.۵	متوسط
۶.۲	۱۰.۲	۱.۷	زیاد
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد
۳۸۴	۲۰۶	۱۷۸	تعداد

$X^2 = ۵۰.۴۹۵$	$df = ۲$	$Sig = ۰/۰۰۰$	$Gamma = ۰.۶۲۳$
----------------	----------	---------------	-----------------

نتایج حاصل از آزمون کی دو ( $X^2 = ۵۰.۴۹۵$ ) که در سطح  $۰/۰۵$  معناداری است ( $sig = ۰/۰۰۰$ ) نشان می‌دهد که رابطه معنادار بین دو متغیر میزان تحصیلات عالی زنان و میزان مشارکت اجتماعی آنان وجود دارد. البته مقدار گاما در حد بالا ( $۰/۶۲۳$ ) است که ضریب مثبت آن نشان می‌دهد هر چه میزان تحصیلات عالی و دانشگاهی زنان بالا برود، میزان مشارکت اجتماعی آنان افزایش پیدا می‌کند.



فرضیه ششم: میزان فرصت‌های اشتغال در خارج از خانه برای زنان دارای تحصیلات عالی به نسبت بیش‌تر از زنان فاقد تحصیلات عالی است.

جدول ۷ بررسی تأثیر ارتقای تحصیلات عالی زنان در افزایش فرصت‌های شغلی در خارج از خانه (درصد)

جمع	سطح تحصیلات		وضعیت اشتغال
	دارای تحصیلات عالی	فاقد تحصیلات عالی	
۷۲.۷	۶۳.۱	۸۳.۷	بیکار
۲۷.۳	۳۶.۹	۱۶.۳	شاغل
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد
۳۸۴	۲۰۶	۱۷۸	تعداد

$X^2 = 20.708$	df = ۲	Sig = .۰۰۰۰	Cramers V = ۰.۲۳۲
----------------	--------	-------------	-------------------

نتایج حاصل از آزمون کی‌دو ( $X^2 = 20.708$ ) که در سطح ۰/۰۵ معناداری است ( $sig = ۰/۰۰۰$ ) نشان می‌دهد که رابطه معنادار بین دو متغیر میزان تحصیلات عالی زنان و میزان افزایش فرصت‌های اشتغال در خارج از خانه برای آنان وجود دارد. بر اساس یافته‌های آماری داخل جدول ملاحظه می‌شود که با بالا رفتن تحصیلات، فراهم شدن فرصت‌های بیش‌تری برای زنان دارای تحصیلات عالی وجود دارد که شاغل شوند و داده‌های داخل جدول نشان می‌دهد که درصد بیش‌تری از افراد دارای تحصیلات دانشگاهی شاغل می‌باشند.

فرضیه هفتم: میزان استفاده از شیوه فرزندپروری دموکراتیک در زنان دارای تحصیلات عالی به نسبت بیش‌تر از زنان فاقد تحصیلات عالی است.

جدول ۸ بررسی تأثیر ارتقای تحصیلات عالی زنان در تغییر شیوه‌های فرزندپروری (درصد)

جمع	سطح تحصیلات		شیوه های فرزندپروری
	دارای تحصیلات عالی	فاقد تحصیلات عالی	
۳۰.۹	۳۶.۵	۲۸.۶	دموکراتیک
۵۱.۶	۴۹.۲	۵۲.۶	سهل‌گرایانه
۱۷.۵	۱۴.۳	۱۸.۸	استبدادی
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد
۲۱۷	۶۳	۱۵۴	تعداد

$X^2 = ۱.۵۳۹$	$df = ۲$	$Sig = ۰/۴۶۳$	$Cramers V = ۰.۰۸۴$
---------------	----------	---------------	---------------------

نتایج حاصل از آزمون کی دو ( $X^2 = ۱/۵۳۹$ ) که در سطح  $۰/۰۵$  معناداری نیست ( $sig = ۰/۴۶۳$ ) نشان می‌دهد که رابطه معنادار بین دو متغیر میزان تحصیلات عالی زنان و تغییر شیوه‌های فرزندپروری وجود ندارد. داده‌های داخل جدول نشان می‌دهد که بیش‌تر خانم‌هایی که تحصیلات عالی داشته‌اند، از روش تربیتی سهل‌گیرانه در تربیت فرزند خود استفاده کرده‌اند. قابل ذکر است تعداد زنان تحصیل کرده که از روش دمکراتیک استفاده می‌کنند، بیش‌تر از زنان فاقد تحصیلات دانشگاهی است.

**فرضیه هشتم:** میزان مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور خانه و خانواده در زنان دارای تحصیلات عالی به نسبت بیش‌تر از زنان فاقد تحصیلات عالی است.

**جدول ۹** بررسی تأثیر ارتقای تحصیلات عالی زنان در میزان مشارکت آنان در فرایند تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور خانه و خانواده (درصد)

جمع	سطح تحصیلات		مشارکت در امور خانه
	دارای تحصیلات عالی	فاقد تحصیلات عالی	
۳.۶	۲.۳	۴.۳	کم
۳۴.۱	۲۶.۱	۳۸.۵	متوسط
۶۲.۲	۷۱.۶	۵۷.۱	زیاد
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد
۲۴۹	۸۸	۱۶۱	تعداد

$X^2 = ۵.۱۳۸$	$df = ۲$	$Sig = ۰/۰۷۷$
---------------	----------	---------------

نتایج حاصل از آزمون کی دو ( $X^2 = ۵/۱۳۸$ ) که در سطح  $۰/۰۵$  معناداری نیست ( $sig = ۰/۰۷۷$ ) نشان می‌دهد که رابطه معنادار بین دو متغیر میزان تحصیلات عالی زنان و میزان مشارکت آنان در فرایند تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور خانه و خانواده وجود ندارد.

### نتیجه‌گیری

۱- با ارتقای تحصیلات عالی در زنان سن ازدواج آنان افزایش پیدا می‌کند. این مسأله را می‌توان هم فرصت و هم تهدید قلمداد کرد. فرصت به دلیل آن که موجب کوتاه‌شدن طول بارداری و کاهش رشد جمعیت می‌شود و از سوی دیگر شاید دارای آثار سوء نیز باشد که به نوبه خود باید مورد بررسی قرار گیرد. نتیجه این تحقیق با نتیجه تحقیق فیروزه کاری، مجید کوششی، محمد جلال عباسی شوازی و عسگری ندوشن، حسین محمودیان و مهریار و آقاجانیان هم‌سو بود.

۲- با ارتقای تحصیلات عالی در زنان میزان باروری آنان کاهش پیدا می‌کند؛ هر چه میزان تحصیلات زنان افزایش پیدا کند، تعداد فرزندان کاهش پیدا می‌کند. نتیجه این تحقیق با نتیجه

تحقیق علیرضا شلمانی، خدیجه سفیری، کامران فرزاد سیر، محمد عبداللهی و مهریار و آقاجانیان هم‌سو بود.

۳- با ارتقای تحصیلات عالی زنان، خشونت خانگی کم‌تر می‌شود و زنان با تحصیلات دانشگاهی توانایی بیشتری برای کنترل خشونت خانگی دارند. این مسأله از جهت کشاندن اختلافات در خانواده به سمت یک بحث منطقی و موفقیت در حل مسائل خانواده بدون ایجاد تنش و خشونت بسیار مهم است. نتیجه این تحقیق با نتیجه تحقیق یونسکو (۱۹۹۵)، تحقیق دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی (۱۳۸۱)، منصوره اعظم آزاد و راضیه دهقان‌فرد و خدیجه سفیری هم‌سو بود.

۴- ارتقای تحصیلات عالی در زنان سبب افزایش احساس خودآثربخشی و کارآمدی زنان می‌شود. زنان با احساس مؤثر بودن، اعتماد به نفس بیشتری پیدا می‌کنند. نتیجه این تحقیق با نتیجه تحقیق یونسکو (۱۹۹۵) و منصوره اعظم آزاد و راضیه دهقان‌فرد هم‌سو بود.

۵- زنان دارای تحصیلات عالی بیشتر از زنان فاقد تحصیلات عالی در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت دارند. این مشارکت دارای ابعادی هم‌چون همکاری داوطلبانه در انجام پروژه‌هایی در محل زندگی، مشارکت افراد در انتخابات شورای محل یا شهر، تمایل به نامزدی انتخاباتی شورای شهر، عضویت در گروه‌ها و انجمن‌ها می‌باشد، نتیجه این تحقیق با نتیجه تحقیق سهیلا علیرضازاد و حسن سرایی، مجید موحد و خدیجه سفیری هم‌سو بود.

۶- ارتقای تحصیلات عالی در زنان سبب افزایش فرصت‌های اشتغال می‌شود. نتیجه این تحقیق با نتیجه تحقیق سهیلا علیرضازاد و حسن سرایی، ابوعلی و داده‌پیر، آریین قلی‌پور و اشرف رحیمیان هم‌سو بود.

۷- ارتقای تحصیلات عالی در زنان سبب تغییر شیوه‌های فرزندپروری در میان آنان نمی‌شود، اما تعداد زنان تحصیل کرده که از روش دمکراتیک در تربیت فرزندان استفاده می‌کنند، بیشتر از زنان فاقد تحصیلات دانشگاهی می‌باشد.

۸- رابطه معنادار بین میزان تحصیلات عالی زنان و میزان مشارکت آنان در فرایند تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور خانه و خانواده وجود نداشت، اما زنان دارای تحصیلات عالی بیشتر از زنان فاقد تحصیلات عالی در امور خانه و خانواده مشارکت دارند. بعضی ابعاد این مشارکت عبارتند از اعمال نظر فرد در تصمیم‌گیری‌های خانواده، اعمال نظر فرد در رفتن به مسافرت، خرید خانه و اتومبیل و وسایل خانه، اعمال نظر فرد در رابطه با رفت و آمدها با خویشاوندان.

## پیشنهادها

برای توانمندسازی زنان در بالندگی و شکوفایی بیشتر و این که بخشی از مهارت‌های زندگی را فرا گرفته و تجربه حضور در عرصه‌های عملی نهادهای اجتماعی را به‌دست آورند، باید آن‌ها را تشویق به حضور در عرصه آموزش عالی کرد، از این رو باید:

- ۱- افزایش دسترسی زنان به آموزش عالی و حرکت به سوی همگانی کردن آن؛
- ۲- برنامه‌ریزی کلان، بلندمدت، سیستماتیک و آینده‌نگر در حوزه آموزش عالی و پرهیز از سلیقه‌گرایی و فردگرایی؛

- ۳- تغییر قوانین و سیاست‌های مربوط به زنان برای رفع موانع موجود در رابطه با مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف ؛
- ۴- لغو سهمیه‌بندی جنسیتی بعضی از رشته‌ها و طرح آن به صورت یک مسأله ملی مهم ؛
- ۵- ارائه الگوهای مناسب از راه رسانه‌ها برای تقسیم کار خانگی بین زنان و شوهران به‌خصوص در مواردی که زنان تحصیل می‌کنند یا شاغل هستند ؛
- ۶- انجام آموزش‌های لازم برای ارتقای سطح آگاهی‌های عمومی، اعتماد به نفس و خودباوری زنان در راستای مشارکت همه جانبه و فعال آنان در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ؛
- ۷- استفاده از زنان تحصیل کرده در فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی به‌خصوص در مواقع بحرانی برای مدیریت بحران.

## منابع

- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۷) جامعه‌شناسی توسعه تهران: کیهان، چاپ هفتم .
- ریمون، بودون، عبدالحسین نیک گهر (۱۳۸۳) منطق کنش اجتماعی، تهران: نشر توتیا.
- ریتزر، جرج ، محسن ثلاثی (۱۳۷۷) نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، تهران: انتشارات علمی گزارش ملی آموزش عالی ایران، سال ۱۳۸۷.

### **Investigation in social consequences of higher education in women (case study:women of Tehran city)**

**Dr Alireza mohseni tabrizi**

**Marzieh Barary**

**abstract:**

**present article deriving from consequences of empirical research is in the field of social consequences of higher education in women of Tehran city.**

**During last few decades, Iranian women have experienced considerable educational and cultural movement.**

**In this way that we observe considerable increase of women's presence just in higher education's section.**

**Promotion of women's educations level has had numerous effects and consequences on their relationships and social economic conditions and circumstances in society and has been the basis of changes in their relationships with social environment mutually.**

**In present research, the main emphasis has been on effects of women's higher education, age of marriage, rate of fertility , controlling of household violence, self-effect feeling social participation and job opportunities in outside of house.**

**Method of research in present study is the descriptive kind and on the basis of survey method.**

**So this research is cause effect correlation kind.**

Under study society consist of women among 18 up to 60 year old of Tehran city that their number of persons is almost about 2730270 on the basis of sampling in year of 1380.

Statistical sample has been calculated about 384 persons with accounting of possible care(percentage).

On the basis of Kocran formula ,that have been selected using of multi-process cluster sampling method (Spss).

Obtained results from data analysis and test of research hypotheses show that if women have higher education , their age of marriage will be increased and their fertility rate will be decreased mutually and rate of their control on household violence will be increased , rate of their participation in social changes will be promoted and at last with increase of higher education level, more opportunities for

job will be provided for them in outside of house.

Generally results of research did not indicate significant difference among two groups of women with higher education and without higher education.

From view of methods of children's bringing up and rate of participation making decisions process related to house and family affairs.

**Key words:**

higher education, fertility rate, self-effect feeling, social participation, controlling of household violence, age of marriage job opportunity ,making decision related to house affairs, and methods of children, bringing up.

